

واکاوی کار کودکان

زهرا اشعری قمی



تحقیق درسی

کودکان خیابانی به کودکانی اطلاق می‌شوند که در بر اساس تعریف صندوق کودکان سازمان ملل متحد، یونیسف، در سال ۱۹۹۷ شهرهای بزرگ برای ادامه بقای خود مجبور به کار یا زندگی هستند. یونیسف حضور و زندگی در خیابان و کار برای ادامه بقا را دو عنصر اساسی شمرده شدن کودکان در زمره کودکان خیابانی می‌داند. پیش از آن در ۱۹۹۳ سازمان بهداشت جهانی در توصیف دقیق‌تر گروه‌های کودکان خیابانی آنها را در چهار گروه طبقه‌بندی می‌کند

ضرورت و اهمیت تحقیق:

در کشور ما ضرورت پرداختن به مسئله کودکان خیابانی به دلایل زیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است:

۱. کودکان خیابانی پدیده‌ای روبه رشد در جامعه ماست.
۲. کودکان خیابانی از محروم‌ترین کودکان هستند که از بیشترین حقوق اساسی خود بی‌بهره‌اند و ضرورت حمایت از آنان در چهارچوب دفاع و حمایت از حقوق کودکان به شدت احساس می‌شود.
۳. کودکان خیابانی به علت ویژگی‌های زندگی خود منشاء بسیاری از رفتارهای نادرست هستند که نه تنها به خود آسیب می‌رسانند، بلکه سلامت جامعه و افراد دیگر را نیز به مخاطره می‌اندازند.

۴. کودکان خیابانی به علت شرایط خاص زندگی خود به شدت مورد انواع آزار و سوءاستفاده قرار می‌گیرند و به سلامت جسمی و روانی آنان آسیب‌های جدی وارد می‌شود. (قاسم زاده)

تعریف کودک در قانون:

کودک یا ضعیف در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از به رشد جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد. طبق قوانین کشور سن رشد جسمی و روحی متفاوت می‌باشد. در قوانین مالی، ازدواج، کار، حقوق سیاسی، استخدام دولتی، مستمری بگیری سنین متفاوتی به عنوان نقطه بلوغ فرد در نظر گرفته است. علاوه بر این، این سنین در مورد دختران و پسران نیز متفاوت می‌باشد. حاصل این فقدان وحدت رویه، آشفتگی قوانین و اجرای نامناسب قوانین در کشور و پیامدهای آسیب‌زای آن می‌باشد. (اسفندفرد)

تعریف کودکان کار:

کودکان کار به کودکانی اطلاق می‌شود که به دلیل نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره از آموزش، بهداشت، تغذیه، امنیت، بازی و دیگر حقوق خود محروم مانده و ناگزیر به کار در کارگاه‌ها، خیابان‌ها، منازل، مزارع، بنادر، کوره‌پزخانه‌ها و غیره می‌باشند. (باقری)

«کودکان خیابانی» بخشی از گروه بزرگ‌تر «کودکان در وضعیت دشوار» یا «کودکان آسیب‌پذیر شهری» هستند که ساعات طولانی از شبانه‌روز و گاه تمام آن را به صورت موقت (ناپایدار) و یا دائمی (مستمر) و برای مدتی نامعلوم خارج از نهادهای اجتماعی - حمایتی معمول مانند خانواده و مدرسه و به قصد و انگیزه کار و یا دوری از خانواده، در خیابان به سر می‌برند. این کودکان در مقایسه با دیگر همسالان خود تماس کمتری با نهادهای فوق‌الذکر دارند، و یا در مراکز ویژه‌ای غیر از این نهادها نگهداری می‌شوند که در صورت فقدان آن مراکز ویژه در معرض رها شدن و روی آوردن به کار و زندگی خیابانی و عوارض منفی و خطرات ناشی از آن - از قبیل خشونت بهره‌کشی، بزه‌دیدگی، بزهکاری و انحرافات اجتماعی - قرار می‌گیرند. (حسینی)

بر اساس تعریف صندوق کودکان سازمان ملل متحد، یونیسف، در سال ۱۹۹۷، کودکان خیابانی به کودکانی اطلاق می‌شوند که در شهرهای بزرگ برای ادامه بقای خود مجبور به کار یا زندگی هستند. یونیسف حضور و زندگی در خیابان و کار برای ادامه بقا را دو عنصر اساسی شمرده شدن کودکان در زمره کودکان خیابانی می‌داند. پیش از آن در ۱۹۹۳ سازمان بهداشت جهانی در توصیف دقیق‌تر گروه‌های کودکان خیابانی آنها را در چهار گروه طبقه‌بندی می‌کند:

- کودکان خیابانی که خانه و خانواده ندارند و در خیابان به سر می‌برند؛

- کودکانی که به دلایل مختلف از خانواده خود جدا شده‌اند و با دوستان خود، در نقاط متروک زندگی می‌کنند؛

- کودکانی که قبلاً بی‌خانمان بوده‌اند و در حال حاضر در سرپناه‌ها یا مراکز خاص نگهداری می‌شوند؛

-کودکانی که با خانواده خود زندگی می‌کنند اما به علت فقر یا مشکلات دیگر بیشتر وقت خود را در خیابان می‌گذرانند.

همچنین از پذیرفته‌شده‌ترین تعاریف و طبقه‌بندی‌های کودکان خیابانی تعریفی است که یونیسف در سال ۲۰۰۳ از کودکان خیابانی به‌عمل آورده و آنها را به دو گروه اصلی تقسیم کرده است. (وامقی)

۱. کودکان خیابانی یا در خیابان (Children “on” the streets)

کودکانی خیابانی یا در خیابان، کودکان شاغل در خیابان‌اند. این کودکان از خانواده‌های کم‌درآمد و پرجمعیت آمده‌اند و علت بودن آنها در خیابان کسب درآمد است. در مقایسه با گروه دوم در این کودکان ارتباط و احساس تعلق به خانواده وجود دارد، اما میزان این ارتباط متفاوت است و ممکن است روزانه تا چند بار در سال باشد. برخی از این کودکان به مدرسه می‌روند و هر چند ممکن است در فضای روابط درون خیابان درگیر مشکلاتی مانند مصرف مواد مخدر و رفتارهای خلاف قانون شوند، اما به‌طور کلی رفتارهای مجرمانه محدودی نسبت به گروه دوم دادند. این گروه اکثریت کودکان خیابانی را تشکیل می‌دهند. (وامقی)

۲. کودکان خیابان (Children “of” the streets)

کودکان خیابان هر چند گروه کوچک‌تری از کودکان خیابانی را تشکیل می‌دهند، اما مشکلات آنها نسبت به گروه اول بسیار پیچیده‌تر است. برای این گروه از کودکان خیابان به منزله خانه است؛ آنها در خیابان در پی سرپناه و غذا هستند و دیگر افراد خیابانی برای آنها حکم خانواده را پیدا کرده‌اند. این کودکان با مدرسه بیگانه‌اند، برخی از آنها به صورت غیرقانونی زندگی می‌کنند و ممکن است در شرایط ناامن، قربانی آزارهای جسمی و جنسی شوند. بسیاری از کودکان این گروه مورد سوءاستفاده گروه‌های غیرقانونی و تبهکار قرار گرفته و از آنها در قاچاق و توزیع مواد مخدر، دزدی و سایر فعالیت‌های خلاف قانون مانند پورنوگرافی و تجارت جنسی کودکان استفاده می‌شود. (وامقی)

کار کودک این‌گونه تعریف شده است: درگیر نمودن کودکان در فعالیت‌هایی که آنان را از آموزش، بهداشت، تغذیه، بازی، امنیت، و دیگر حقوق‌شان باز می‌دارد و معمولاً با بهره‌کشی و انواع آسیب‌های جسمانی، روانی، اجتماعی و اخلاقی برای کودک همراه است کار کودک گفته می‌شود. این تعریف شرکت کودکان در فعالیت‌هایی که به منظور پرورش استعداد، فکر، خلاقیت‌ها و آماده‌سازی آنان برای یک زندگی مسوولانه و با نشاط در بزرگسالی صورت می‌گیرد و محرومیت و آسیبی را برای آنان در بر ندارد، کار کودک نمی‌داند. (باقری)

آمار مربوط به کودکان کار در ایران و جهان:

پدیده کار کودکان در سالهای آغازین سده بیست و یکم همچنان بعنوان یک معضل جدی در بسیاری از نقاط جهان به چشم می‌خورد. پژوهش‌های انجام شده در ۱۹۷۹ (سال جهانی کودک) نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ میلیون کودک زیر ۱۵ سال در شرایط بسیار زیان‌بار در زمینه‌های گوناگون کار می‌کنند. درآمد هر چند اندک این کودکان در کشورهای رو به توسعه بویژه در آمریکای لاتین، برای بقای خانواده‌شان لازم است. (کلانتری)

بر پایه آمارهای سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۰۵، ۲۴۶ میلیون کودک کار می‌کرده‌اند و از این تعداد ۷۳ میلیون تن کمتر از ۱۰ سال داشته‌اند. هر سال ۲۲۰۰۰ کودک بر اثر کار کردن می‌میرند. بیشترین شمار کودکان کارگر یعنی ۱۲۷ میلیون تن ۱۴ و کمتر از ۱۴ سال دارند و در آسیا زندگی می‌کنند. هیچ کشوری از پدیده کار کودکان در امان نیست. ۲/۵ میلیون کودک کارگر در کشورهای صنعتی و پیشرفته به سر می‌برند. (کلانتری)

کار کودکان مشکلی جدی در جهان امروز است. بر پایه برآوردهای سازمان بین‌المللی کار (OLI)، دستکم ۱۲۰ میلیون کودک ۱۴ تا ۱۵ ساله در کشورهای رو به توسعه به کار تمام‌وقت و بیش از ۲۵۰ میلیون کودک به کارهای گوناگون خانگی و نیمه‌وقت اشتغال دارند. آسیا ۶۱٪، آفریقا ۳۲٪ و آمریکای لاتین ۷٪ از این رقم را به خود اختصاص داده‌اند. (کلانتری)

بیشتر کودکان کارگر در بخش غیر رسمی کار می‌کنند، بی‌آنکه از پشتیبانی قانونی برخوردار باشند.

70% در بخش کشاورزی، شکار تجاری و ماهیگیری یا جنگلداری

8% در کارخانه‌ها

8% در بخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، رستوران و هتل

7% در خدمات شخصی و اجتماعی مانند کار خانگی

8/4% میلیون کودک در دام برده‌برداری گرفتارند: قاچاق و فحشاء

1/2% میلیون از این کودکان قاچاق و خرید و فروش می‌شوند. (کلانتری)

از هر شش کودک در جهان، یک تن کار می‌کند. کار کودکان در جوامع صنعتی و بسیاری از بخشهای جهان وجود دارد، اما بیشترین حجم کار کودکان در بخش کشاورزی است. برخی کودکان خیابانی‌اند؛ گروهی کارهای خانگی می‌کنند؛ شماری نیز در کارخانه‌ها مشغولند. همه کودکانی که کار می‌کنند، بختی برای «کودکی» واقعی ندارند. بهره‌کشی از کودکان پدیده‌ای جهانی است و صورت و نوع آن بسته به ویژگیهای کشورهای، متفاوت است. در میان کشورهای اروپایی، ایتالیا کشوری است که بهره‌کشی از کودکان در آن چشمگیر است و بر پایه برآورد یونیسف این رقم در دهه ۸۰ به نیم میلیون تن می‌رسیده است. (کلانتری)

در ایران برخی سازمان‌های بین‌المللی برآوردهایی را اعلام کرده‌اند. از جمله در آمار تخمینی سازمان جهانی کار در سال ۱۹۹۵ آمده است ۴/۷۱ درصد کودکان بین ۱۰ تا ۱۴ سال در ایران از لحاظ اقتصادی فعال هستند براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ بیش از ۴

درصد جمعیت شاغل کشور را گروه سنی ۱۰ تا ۴۰ سال تشکیل می‌دهان و براساس همین آمار جمعیت شاغل کشور ۱۴/۵ میلیون نفر است که ۴ درصد آن حدود ۶۰۰ هزار نفر می‌شود. هرچند رقم‌ها رسمی بنا به گفته‌ی معاون اشتغال وزیر پیشین کار و امور اجتماعی، خبر از کارگری ۲۶۰ هزار کودک زیر ۱۵ سال به دلیل فقر اقتصادی می‌دهند، اما بررسی‌های آرایه شده‌ی آماری نشان می‌دهند که ۳۸۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در سراسر کشور کار ثابت داشته و حدود ۳۷۰ هزار کودک در همین سنین به عنوان کارگر فصلی مشغول به کارند. یعنی بیش از ۷۰۰ هزار کودک و اگر فراموش نکنیم طبق روال مرسوم کشورمان در چنین عرصه‌هایی آمارهای رسمی معمولاً طوری محاسبه می‌شوند که ضریب بالایی از واقعیت ندارند، می‌توان فهمید که حدود ۱/۵ میلیون کودک زیر ۱۵ سال در ایران کار می‌کنند. از مجموع ۲ میلیون کارگاه سطح استان تهران، تنها کارفرمایان ۵۰۰ هزار کارگاه حق بیمه پرداخت می‌کنند. خود این اظهار نشان می‌دهد ۱/۵ میلیون کارگاه فقط در سطح استان تهران وجود دارند که وزارت کار نظارت و کنترلی بر آنها ندارد و اگر تنها ۱۰ درصد از این کارگاه‌ها هر کدام فقط ۱ کودک و نوجوان کارگر داشته باشند، حدود ۱۵۰ هزار کودک و نوجوان کارگر در سطح استان تهران کار می‌کنند که زیر پوشش هیچ بیمه‌ای قرار ندارند. کودکانی که در خیابان‌های پر از ازدحام به فروش کالا یا گدایی می‌پردازند و یا در مناطق مرزی کشور به حمل کالای قاچاق مبادرت دارند، همچنین فعالان در کارهای کشاورزی و خانگی و کارگران مشغول به کار در کارگاه‌های غیرقانونی هرگز جز آمار ثبتي به حساب نمی‌آیند. (باقری)

بر پایه آمارهای رسمی، در ایران ۱۸۰۰۰۰۰ کودک کار می‌کنند. یونیسف در گزارش خود درباره ایران آورده است که ۳-۱ درصد کودکان ۶ تا ۱۴ ساله ایرانی کار می‌کنند و به مدرسه نمی‌روند. (کلانتری)

تاریخچه ی برخورد با کار کودکان:

بیش از صد سال از راهپیمایی بزرگ کودکان کار در فیلادلفیای آمریکا به ابتکار کارگر انقلابی و مبارز خانم مری جونز که گروهی از کودکان کار را شهر به شهر به میان مردم برد و ضرورت چاره‌اندیشی درباره‌ی کار کودکان را به آنان گوشزد نمود و در نهایت منجر به تصویب قانون ممنوعیت کار کودکان زیر ۱۴ سال گردید، می‌گذرد و از آن زمان تاکنون تلاش‌های جهانی بسیاری برای حمایت از حقوق کودکان به‌طور عام و مبارزه با کودکان به‌طور خاص صورت گرفته است. (باقری)

منع استثمار اطفال در اسناد بین المللی

1- بند «د» ماده ۱ قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده فروشی و عملیات و دستگاههای مشابه بردگی مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۳ چنین مقرر میدارد: هر گونه رسوم و ترتیباتی که به موجب آن کودک یا فرد غیر بالغ (کمتر از ۱۸ سال) توسط یکی از والدین خود و یا هر دوی آنها یا توسط قیم خود در ازای اخذ وجه و یا بدون اخذ وجه به منظور تمتع از کودک یا فرد غیر بالغ یا استفاده از کار او به شخص دیگری تسلیم شود ممنوع است. (ایروانیان)

2- بند ۳ ماده ۱۰ کنوانسیون بینالمللی حقوق اقتصادی و اجتماعی مصوب ۱۶ دسامبر 1966 نیز اعلام میدارد: اطفال باید در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شوند. واداشتن اطفال به کارهایی که برای جهات اخلاقی یا سلامت آنها زیان آور است یا زندگی آنها را به مخاطره میاندازد یا مانع رشد طبیعی آنان میگردد، باید بموجب قانون قابل مجازات باشد. (ایروانیان)

3- ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مقرر میدارد: هیچ کس را نباید در بردگی یا انقیاد نگاه داشت یا ملزم کرد که به کار تحمیلی یا اجباری بپردازد. (ایروانیان)

4- ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد: کشورهای طرف کنوانسیون خصوصاً موارد ذیل را مورد توجه قرار می‌دهند:

1- در زمینه منع خرید و فروش اطفال پیش از این کنوانسیون نیز در قرار داد بین المللی راجع به جلوگیری از خرید و فروش سفید پوستان مصوب ۴ مه ۱۹۱۰ و قرارداد بین المللی الغای خرید و فروش نسوان و کودکان مصوب ۳۰ سپتامبر 1912 و قرار داد بین المللی راجع به منع فحشا و جلوگیری از اشاعه نشریات منافی عفت و مستهجن مصوب ۴ مه ۱۹۴۹ ترتیباتی در سطح جهانی پیش بینی شده بود.

1- تعیین حداقل سن یا سنین مناسب برای کار.

2- تعیین مقررات مناسب از نظر ساعات و شرایط کار.

3- تعیین مجازات‌ها و اعمال سایر ضمانت اجراهای مؤثر و مناسب جهت اجرای مؤثر این ماده. (ایروانیان)

در نخستین اقدام بین المللی در جهت حذف کار کودک، در سال ۱۹۱۹ و در راستای اجرای ماده ۴۲۷ معاهده ورسای، کنفرانس بین المللی کار در اولین اجلاس خود مقاله نامه حداقل سن در امور صنعتی را که ۱۴ سالگی را حداقل سن ورود به فعالیتهای صنعتی تعیین می نمود تصویب کرد. همچنین این کنفرانس در همان سال، مقاله نامه کار در شب برای جوانان را نیز به تصویب رسانید. این دو مقاله نامه اولین گامهای جهانی در جهت حذف تدریجی کار کودک محسوب میشود. (ایروانیان)

مقاله نامه شماره 138 سازمان ILO مصوب ۱۹۷۳ (ایلو) نیز این سن را در کارهای عادی ۱۵ سال و در کارهای مضر به حال کودکان، ۱۸ سال تعیین کرد. همین کنوانسیون مقرر می دارد که در کشورهایی که اقتصاد و تشکیلات آموزشی آنان به حد کافی رشد پیدا نکرده است، این سن تا ۱۴ سالگی کاهش مییابد و در مورد کارهای مضر مقرر میدارد که این سن در صورتی که امنیت و سلامت اخلاقی جوانان بطور کامل حفظ شود، تا ۱۶ سالگی تنزل یابد. در سال ۱۹۹۹ در کنوانسیون منع بدترین شکل کار کودک نیز با تأکید بر مقررات مقاله نامه ۱۹۷۳ در ماده دو آن چنین مقرر گردیده است: برای اهداف این کنوانسیون واژه کودک برای افرادی به کار برده میشود که سن آنها کمتر از 18 سال باشد. این کنوانسیون در ماده ۳ خود بدترین اشکال کار کودک را چنین معین میکند:

1- در توصیه نامه حداقل سن شماره ۱۴۶ سازمان ILO حداقل سن به ۱۶ سال افزایش یافت، لیکن این توصیه نامه از نظر حقوقی الزام آور نمی باشد.

الف - کلیه اشکال بردگی یا شیوه های مشابه بردگی از قبیل فروش و قاچاق کودکان، بندگی به علت بدهی و رعیتی، کار با زور یا اجباری، از جمله استخدام به زور یا اجباری کودکان برای استفاده در درگیری مسلحانه.

ب - استفاده، فراهم کردن یا عرضه کودک برای روسپیگری، تولید زشت نگاری یا اجراهای زشت نگارانه.

ج - استفاده ، فراهم کردن یا عرضه کودک برای فعالیت های غیر قانونی بویژه برای تولید و قاچاق مواد مخدر به گونه ای که در معاهدات بینالمللی مربوط تعریف شده اند.

د - کاری که به دلیل ماهیت آن یا شرایطی که در آن انجام می شود ، احتمال دارد برای سلامتی ایمنی یا اخلاقیات کودک ضرر داشته باشد. در بند «ب» ماده ۵ این کنوانسیون نیز چنین آمده است : هر یک از اعضاء اهمیت آموزش در محو کار کودکان را مورد توجه قرار خواهند داد تا نخست : از استخدام و به کار گیری کودکان در بدترین اشکال کار کودک ممانعت بعمل آورند. دوم : موانع لازم را در این مورد ایجاد کنند . سوم : دسترسی همه کودکانی که از بدترین اشکال کار کودک رها میشوند ، به آموزش را فراهم کنند. (ایروانیان)

1- در ماده ۳ توصیه نامه ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار اطفال ، موارد زیر بعنوان اصول راهبردی سازمان ILO در تعیین مصادیق بند «ت» ماده ۳ کنوانسیون مذکور مشخص گردیده اند :

الف - کاری که کودکان را در معرض سوء استفاده جسمانی ، روانی یا جنسی قرار می دهد.

ب - کار در زیرزمین ، زیر آب ، در ارتفاعات خطرناک یا در فضاهای بسته.

ج - کار با ماشین آلات و تجهیزات و ابزارهای خطرناک یا کاری که متضمن جابجایی یا حمل بارهای سنگین با دست است.

د - کار در محیط ناسالم که ممکن است بطور مثال ، کودکان را در معرض مواد ، عوامل یا فرایندهای خطرناک ، یا در معرض دما ، صدا ، یا ارتعاشهای مضر برای سلامتی قرار دهد.

ه - کار تحت شرایط بسیار مشکل از قبیل کار برای ساعات طولانی یا در خلال شب یا کار در جایی که کودک به نحو غیر متعارفی محدود به کارگاه کارفرما است. (ایروانیان)

منع استثمار کودکان در قوانین و مقررات داخلی

الف - سوء استفاده از اطفال در مشاغل قانونی

بر طبق ماده ۷۹ قانون کار به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است . این قاعده ، سه استثناء دارد:

1- طبق ماده ۱۸۸ قانون کار ، کارگران کارگاه های خانوادگی که انجام کار آنها منحصراً توسط صاحب کار و همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک از طبقه اول وی انجام میشود، مشمول مقررات این قانون نخواهند بود. در نتیجه حداقل سن در مورد کارگران چنین کارگاهی هرگز رعایت نخواهد شد. در واقع قانونگذار با وضع ماده فوق به افزایش موارد استثمار کودکان توسط والدین و خویشاوندان آنها کمک نموده است. (ایروانیان)

2- این استثناء که به وضوح تحت تأثیر مقاولهنامه ۱۹۷۳ (ایلو) مصوب ILO وضع گردیده، ماده ۸۴ قانون کار می‌باشد. به موجب این ماده به کار گماردن افراد کمتر از ۱۸ سال برای کارهایی که ماهیت آنها برای سلامتی و اخلاق نوجوان زیان آور است، ممنوع می‌باشد. (ایروانیان)

3- این استثناء خروج کارگاه‌های با حداکثر ۵ کارگر از شمول قانون کار می‌باشد که قطعاً پیامد‌های هولناکی برای کودکان در پی خواهد داشت و راه را برای استثمار همه جانبه آنها در سطح جامعه باز خواهد کرد. نکته جالب توجه در این مسأله آن است که بر اساس ماده ۱۹۱ قانون کار با پیشنهاد شورای عالی کار و تصویب هیأت وزیران امکان خروج کارگاه‌های با کمتر از ۱۰ کارگر از شمول پاره‌ای از مقررات قانون کار وجود داشت، لیکن متأسفانه قانونگذار بی توجه به این ماده اقدام به خارج ساختن کارگاه‌های با کمتر از ۵ کارگر از حیطه قانون کار نموده است. این مسأله و همچنین استثنای اول با توصیه نامه شماره ۵۲ کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار تعارض پیدا میکند. این کنفرانس در ژوئن ۱۹۳۷ مقرر داشت: «دول عضو می‌باید مقررات مربوط به حداقل سن پذیرش را در کلیه موسسات صنعتی و فامیلی اجرا کنند». (ایروانیان)

بر طبق مواد ۸۰ و ۸۱ قانون کار، کارگران ۱۵ تا ۱۸ سال، کارگر نوجوان هستند و در بدو استخدام و همچنین به طور سالیانه باید تحت آزمایش‌های پزشکی قرار گیرند. (ایروانیان)

به موجب ماده ۵۱ قانون کار، ساعات کار کارگران نباید از ۸ ساعت در روز تجاوز کند. البته با توافق کارگر و کارفرما این مدت میتواند تغییر پیدا کند، به شرط آنکه مجموع ساعات کار از ۴۴ ساعت در هفته تجاوز نکند. در ماده ۸۲ قانون فوق‌الذکر اعلام شده است که ساعات کار نوجوانان باید نیم ساعت کمتر از ساعات کار کارگران معمولی باشد. بر طبق ماده ۸۳ این قانون نیز ارجاع هرگونه اضافه کاری و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیانبار و خطرناک و حمل بار بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است. شب طبق تعریف ماده ۵۳ قانون کار عبارت است از فاصله زمانی بین ساعات ۲۲ الی ۶ صبح. بنابر عقیده برخی از حقوقدانان، موضوعی که در قانون پیش بینی نشده، مشاغلی است که طبیعت انجام این گونه مشاغل اقتضاء دارد که کار در شب صورت گیرد. بنابراین بهتر است با در نظر گرفتن مصالح کارگر نوجوان، قانون به گونه‌ای اصلاح شود تا نوجوانان امکان استفاده از استعداد خود در این گونه مشاغل را نیز داشته باشند. (ایروانیان)

حمایت‌ها ظاهراً مقنن در راستای استانداردهای جهانی و معیارهای ارائه شده از سوی سازمان بین‌المللی کار (ILO) و علی‌الخصوص تحت تأثیر مقاوله نامه بازرسی (1967) طی مواد ۹۶ تا ۱۰۶ این قانون، به منظور اجرای صحیح قانون و ضوابط حفاظت فنی، اقدام به تشکیل اداره کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی نموده است. این اداره به منظور نظارت بر اجرای مقررات ناظر به شرایط کار... اشتغال زنان و کارگران نوجوان تشکیل یافته است. لیکن در تبصره ماده ۹۸ قانون فوق‌الذکر اذعان شده است که ورود بازرسان کار به کارگاه‌های خانوادگی منوط به اجازه کتبی دادستان محل می‌باشد. از سوی دیگر مقنن در این قانون هیچ اشاره‌ای به تربیت بازرسان ویژه در امور اطفال نکرده است. ظاهراً قانونگذار هیچ لزومی به وجود چنین بازرسانی در کشوری که لااقل نزدیک به ۱ میلیون کارگر خردسال دارد، ندیده است. درانتها باید متذکر شد که قانونگذار با وضع مواد ۱۷۱ تا ۱۸۶ قانون کار، مجازات‌های سنگینی را در قالب زندان و جریمه نقدی برای متخلفان از مقررات قانون کار و از جمله مقررات مربوط به اشتغال اطفال در نظر گرفته است. (ایروانیان)

عوامل مؤثر بر اشتغال کودکان:

۱. عوامل اقتصادی، مانند فقر، بی‌عدالتی، بیکاری، فاصله زیاد طبقاتی، درآمد کم را شامل می‌شود. (اسفندفرد)
۲. عوامل اجتماعی مانند ازدیاد جمعیت، مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ یا از کشورهای دیگر به ویژه افغانستان، جوان بودن جمعیت، جنگ و پیامدهای آن (آوارگی و...)، اعتیاد، بزهکاری، خشونت با کودکان و... را شامل می‌شود. انفجار جمعیت در کشورهای رو به توسعه باعث جوانی ساختار جمعیتی این کشورها شده است. بنابراین شمار چشمگیر کودکان کارگر، از ساخت جوان این کشورها مایه می‌گیرد. این دسته از کودکان بویژه در کشورهای پرجمعیت رو به توسعه و در شهرهای بزرگ، در مکانهای ویژه جغرافیایی مانند حومه شهرها، حاشیه بزرگراهها، مناطق نزدیک به محلّ انباشت زباله‌های سنتی و غیر صنعتی متمرکزند و زندگی می‌کنند و شمار آنان در دهه ۱۹۸۰، به یکصد میلیون می‌رسیده و نیمی از این جمعیت در کشورهای آمریکای لاتین می‌زیسته‌اند. (کلانتری)
۳. عوامل خانوادگی که مهمترین آنها خانواده‌های پر جمعیت، خانواده‌های پرشش، فوت یا چهای والدین، اعتیاد در خانواده خشونت والدین، وجود پدری و مادری و... را شامل می‌شود. (اسفندفرد)
۴. عوامل زیستی، روانی (فردی) مانند بحران هویت، بحران بلوغ، فرار از خانه و مدرسه، اعتیاد و بزهکاری که عمدتاً تحت تاثیر عوامل اجتماعی و خانوادگی قرار دارد. (اسفندفرد)

بسیاری از کودکان، کار و درس خواندن را همزمان تجربه می‌کنند. این مسئله بویژه هنگامی که کار به صورت کشاورزی یا خانوادگی است، بیشتر روی می‌دهد. (کلانتری)

عوارض کار کودکان

بسیاری از کودکان تحت شرایط استثمارگری کار می‌کنند، به طوریکه کار نه تنها مانع تحصیل آنها می‌شود، بلکه بر سلامتی جسمی و بهداشت روانی آنها نیز تاثیر منفی می‌گذارد. مانند کودکانی که زباله‌ها را جمع‌آوری می‌کنند یا کودکان شاغل به کشاورزی که بدون محافظت در برابر شرایط جوی، کار سنگین، مواد شیمیایی و حوادث ناشی از ماشین‌آلات کشاورزی در معرض خطرهای آن قرار می‌گیرند. کودکان به دلیل اندام ضعیفشان بیش از بزرگسالان در مقابل آسیب‌ها و بیماری‌های ناشی از کار آسیب‌پذیرند و به دلیل سن کم، از برخی کارها آگاهی ندارند یا آگاهی کمی دارند در نتیجه تعداد زیادی از کودکان در برخی از کشورها، در معرض خطر جدی قرار دارند. یکی از مشکلات اصلی که کودکان خیابانی چه در سطح خانواده و چه در جامعه با آن مواجه هستند مسئله سوء استفاده جنسی از آنان است سوء استفاده برای منفعت فردی، برای کسب درآمد و تکمیل باندهای فساد و غیره از جمله مسائلی است که در کمین این کودکان می‌باشد. ماده‌های 19 و ۳۴ کنوانسیون حقوق کودک هر نوع خشونت را علیه کودکان، خاصه سوء استفاده جنسی، را ممنوع کرده است اما در قوانین ایران حتی با توجه به تاکیدات شرعی، حمایت‌های لازم از کودکان در برابر این مسئله پیش‌بینی نشده است.

با توجه به پیشرفت وسائل ارتباطی امروزه سوء استفاده جنسی از کودکان خصوصاً به صورت پرونوگرافی بسیار افزایش یافته و مدافعان حقوق کودک را وادار به تلاش برای پیشگیری از این امر نموده است. در قوانین ایران به موجب ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند، آمده است: «استفاده از صفار برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارهای غیر مجاز این قانون موجب اعمال حد اکثر مجازات‌های مصرر برای عامل خواهد بود. (اسفندفرد)

راهکارها

برای کاهش تعداد کودکان خیابانی و بهبود وضعیت زندگی آنان اقدامهای زیر را می‌توان در دو سطح انجام داد:

(۱) راهکارهای بلند مدت:

* این راهکارها در واقع آرمانها و آرزوهای ما هستند که در کوتاه‌مدت امکان تحقق آنها وجود ندارد، اما عاملی بر انگیزنده برای کار و تلاش ما، در زندگی است:

از بین بردن فقر و ناآگاهی، برقراری عدالت اجتماعی، تامین رفاه اجتماعی و... ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جامعه است.

(۲) راهکارهای کوتاه‌مدت:

* شناسایی کودکان خیابانی، برقراری ارتباط با آنان و جلب اعتماد آنها با کمک مددکاران اجتماعی

* ایجاد سرپناه‌های مناسب بر حسب وضعیت کودکان خیابانی برای آنان

* ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی و مشاوره... به کودکان خیابانی و خانواده‌های آنان

* جلوگیری از کار کودکان یا نظارت بر کار آنان در موارد ضروری با توجه به ضرورت رفتن به مدرسه

* تدوین قوانین مورد نیاز برای حمایت از کودکان خیابانی

* زیر پوشش قرار دادن خانواده‌های کودکان خیابانی و ادامه کمکهای مالی مفید

* مشخص کردن سازمان مسئول حمایت از کودکان خیابانی

* استفاده از مشارکتهای مردمی در حمایت از کودکان خیابانی

* تاکید بر نقش دولت در برنامه‌ریزیهای کلان در ارتباط با کودکان خیابانی

* ایجاد شبکه نظام یکپارچه مراقبت و حمایت‌زا کودکان خیابانی (اسفندفرد)

همچنین می‌توان این راهکارها را در سه سطح خرد، میانه و کلان به کار گرفت:

۱) سطح کلان

- سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و فرهنگی در شهرهای کوچک و متوسط به‌عنوان محورهای توسعه منطقه‌ای که مانع از سیل مهاجرت به مراکز استان‌ها و پایتخت شده و مسیر مهاجرت را به شدت کوتاه می‌کند؛
- طراحی نظام‌های جامع حمایتی برای تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های محروم شهری و تامین اجتماعی و رفاهی این خانواده‌ها؛
- اعمال نظارت‌های بیشتر بر نواحی حاشیه شهری از طرف نهادهای انتظامی و تامین امنیت و سلامت اجتماعی محله‌های آسیب‌زا؛
- فرهنگ‌سازی در زمینه شیوه‌های برخورد مردم با کودکان کار خیابانی؛
- ایجاد اشتغال برای حداقل یکی از اعضای خانواده‌های فقیر برای پیشگیری از احتیاج خانواده به درآمد کودک؛
- همکاری سازمان ثبت‌احوال برای ارائه شناسنامه و هویت‌دهی به کودکان، که بنا به دلایل مختلف دارای شناسنامه نبوده‌اند. (حسینی)

۲) سطح میانه

- تاسیس مراکز مشاوره و راهنمایی و مراکز بهداشت خانواده برای تحت پوشش قرار دادن هر چه بیشتر خانواده‌های نیازمند حاشیه‌نشین؛
- کمک به برقراری روابط نزدیک‌تر بین خانه و مدرسه به عنوان دو نهاد عهده‌دار تربیت کودکان، در نواحی حاشیه‌ای شهرهای و محله‌های فقیرنشین؛
- اعمال دقت نظر کافی در گزینش و گمارش معلمان مدارس فقیرنشین و آسیب‌زای شهری، به طوری که باتجربه‌ترین و باسوادترین معلمان به این مناطق اعزام شوند؛
- هدایت کار کودکان به کانال‌های قانون‌مند شغلی و سروسامان دادن به مشاغل کوچک زود بازده برای کودکان؛
- شناسایی محله‌های ناسالم و جمع‌آوری اطلاعات دقیق آنها از طریق برنامه‌های کوتاه‌مدت دوره‌ای. (حسینی)

۳) سطح خرد

- برای از میان بردن نگرش منفی‌ای که نسبت به کودکان کار خیابانی وجود دارد باید آنها را وارد اجتماع کرد. در این زمینه حتی در کشورهایی از ایجاد مدارس استفاده شده است که کودکان غنی و کودکان خیابانی در کنار یکدیگر به تحصیل بپردازند؛

-مشارکت دادن بچه‌ها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود و آموزش مهارت‌های زندگی و نیز فعالیت‌های مدنی چون پس‌انداز کردن و امور بانکی و پست کردن نامه و... در جهت سوق دادن این کودکان به شهروندانی مسئول و مدنی (در برخی کشورها حتی بانک‌ها و رستوران‌هایی با مدیریت خود این کودکان تشکیل شده است، تا هم این کودکان از سوی مردم در فعالیت‌های اجتماعی به رسمیت شناخت شوند و هم باعث جلب اعتماد کودکان خیابانی دیگر گردد و هم این کودکان وارد فعالیت‌های اجتماعی و مدنی گردند)؛

-رشد برنامه‌های کنترل اجتماعی و نیز آموزش‌های منجر به رشد کنترل درونی برای این کودکان؛

-درگیر کردن جوانان و نوجوانان خصوصاً طبقات بالای اجتماع در امر حمایت از کودکان خیابانی و کودکان کار. (حسینی)

رویکردها به مشکل کودکان خیابانی

رویکردهای مداخله‌ای برای کودکان خیابانی را می‌توان در دو گروه رویکردهای پیشگیرانه و رویکردهای ترمیمی و اصلاحی طبقه‌بندی نمود. رویکردهای پیشگیرانه اساساً دارای برنامه‌هایی برای کودکان خیابانی نیستند، بلکه هدف آنها پیشگیری از تبدیل کودکان در معرض خطر خیابانی شدن به کودک خیابانی است و جمعیت هدف آن عمدتاً کودکان فقیر و خانواده‌های آنهاست، در حالیکه برنامه‌های ترمیمی و اصلاحی مستقیماً کودکان خیابانی را هدف برنامه‌ریزی خود قرار داده و برای بهبود شرایط آنها و در وضعیت ایده‌آل، بازگشت آنها به خانواده و جامعه تلاش می‌کنند. (وامقی)

۱. روش‌های پیشگیرانه

همچنان که گفته شد، برنامه‌های پیشگیرانه برنامه‌هایی برای کودکان خیابانی نیستند بلکه بیشتر برنامه‌هایی هستند که بر تقویت سرمایه انسانی و اجتماعی در خانواده‌هایی که در جوامع بسیار فقیر زندگی می‌کنند متمرکزند. این برنامه‌ها بر کودکان به‌طور عام، به‌ویژه از اوائل کودکی و حتی پیش از تولد تمرکز داشته و برای فراهم کردن خدمات پایه‌ای و کیفی مانند اقدامات بهداشتی، سلامت و تغذیه (به‌خصوص برای زنان باردار و کودکان)، مراقبت‌های اولیه برای کودکان، رشد کودکان، دوران پیش از دبستان و آموزش و تحصیل کودکان تأکید دارند. تلاش آنها کمک به کودکان برای ورود به مدرسه، ماندن در آن و بیرون ماندن از خیابان‌ها به منظور فراهم شدن امکان ادامه تحصیلات پس از ابتدائی تا هنگام به‌دست آوردن مشاغلی قابل احترام در بزرگسالی است. برنامه کرومیم نمونه قابل توجهی از یک برنامه پیشگیری از خیابانی شدن کودکان است که از سال ۱۹۹۱ در برزیل اجرا شده است. این برنامه فضا، ساختمان و حمایت‌های تخصصی برای فعالیت‌های رشدی کودکان شامل ورزش، بازی‌های تفریحی و انواع بازی خلاق و کمک به فعالیت‌های درسی کودکان را در ساعات خارج از مدرسه در اختیار این کودکان قرار داده و با ایجاد جذابیت از طریق فضاهای وسیع و مطلوب کودکان تا ۱۲۰۰ کودک ۶-۱۲ سال را در هر جلسه در خود جای می‌دهد. در طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ در حدود ۱۳۴ مرکز مشابه در یکی از ایالات برزیل راه‌اندازی گردید که نزدیک به ۲۸ هزار کودک ۶-۱۴ ساله را در خود پذیرش داد.

با وجود آنکه راهبردهای پیشگیرانه از طریق جریان خدمات اجتماعی که نیازمند زمان بیشتری برای به ثمر رسیدن هستند، عمل می‌کنند اما در مقایسه با روش‌هایی که مستقیماً کودکان خیابانی را هدف می‌گیرند ارزان‌تر و مؤثرترند. (وامقی)

۲. روش‌های ترمیمی و اصلاحی

حضور کودکان خیابانی در برخی از کشورهای جهان مانند برزیل و هندوستان که به دلیل داشتن خیل عظیم کودکان خیابانی در جهان معروفند دارای سابقه‌ای طولانی است و رویکردهای کاملاً متفاوتی نسبت به این کودکان در طول زمان در این کشورها و بسیاری از دیگر کشورهای جهان شکل گرفته است. در مجموع، تغییرات ایجاد شده در برنامه‌های ترمیمی و اصلاحی روی به پیشرفت داشته‌اند و روش‌های جدید از تجربیات گذشته استفاده کرده و از سلف خود بهتر شده‌اند. این روش‌ها را که مستقیماً بر کودکان خیابانی تمرکز داشته‌اند، می‌توان در دو طبقه‌بندی مدل‌های بسته و باز جای داد. مدل‌های بسته کودکان را در مراکز با حداقل تماس با دنیای بیرون محدود می‌نماید، در حالیکه در روش‌های باز، اگر اصولاً مرکزی در کار باشد، کودکان برای رفت‌وآمد به مراکز با میل خود آزادند. هر چند برنامه‌های مبتنی بر مراکز بسته هنوز در برخی از کشورهای جهان اجرا می‌شوند و در سال‌های گذشته روش غالب کار با کودکان خیابانی بوده‌اند اما با گسترش روزافزون توجه و تأکید بر حقوق کودکان، تعداد مراکز بازی که به کار با کودکان خیابانی می‌پردازند به نحو روزافزونی در حال افزایش است. (وامقی)

۲-۱) مراکز بسته

در برزیل تا پیش از قرن بیستم، روش اصلی کار با کودکان خیابانی، قرار دادن آنها در مراکز بستهای بود که نیازهای اساسی آنان را به درجات مختلف در درون مراکز تأمین می‌کرد. این مراکز که ماهیتی خیریه‌ای داشتند (مدل خیریه‌ای) بر مبنای ایده‌آل‌های مذهبی بنا شده و عمدتاً به کلیسای کاتولیک وابسته بودند. از شروع قرن بیستم، در رقابت با مدل خیریه‌ای، روش‌های دیگری که بر اصول علمی تکیه داشتند ظهور پیدا کردند. تمرکز این روش‌ها بر سلامتی و بهداشت و گسترش آموزش به عناوینی غیر از درس مذهبی و پرهیز از تنبیهات بدنی بود. گسترش شهرنشینی و رشد رو به تزاید کودکان رها شده، در اوایل قرن بیستم بر ظرفیت مراکز خیریه‌ای و علمی غلبه کرده و افزایش بزهکاری نوجوانان به نگرانی در مورد مسئله کودکان خیابانی انجامید. در پاسخ به این مشکلات در دهه ۱۹۴۰ در برزیل سیستم مراقبتی بسته‌ای وابسته به سیستم قضایی با نام سام (SAM) برای کودکان و نوجوانان خیابانی، در شهر ریو راه‌اندازی گردید. در این سیستم جمعیت بزرگ و غیرهمگنی از کودکان و نوجوانان که به دلایل متفاوتی مانند ولگردی تا قتل از خیابان‌ها جمع‌آوری می‌شدند تحت شرایط زور و اجبار در این مراکز تحت مراقبت قرار می‌گرفتند. این مراکز به سبب شرایط بی‌رحمانه و روش‌های درمانی خود در مقایسه با زندان‌های معمولی بزرگسالان در آن زمان از شهرت خاصی برخوردار شدند، به طوری که روایات وحشتناکی که از زندگی در این مراکز نقل شدند دستمایه ژانر برزیلی ادبیات و فیلم گردیدند.

در آفریقای جنوبی نیز تا پیش از راه‌اندازی مراکز باز برای کودکانی که خانواده را ترک کرده و به خیابان‌ها روی می‌آوردند، تنها سه محل وجود داشت: مراکز اصلاح و بازپروری، اماکن امن که کودکان توسط سیستم قضایی به آنها اعزام می‌شدند و خروج از آنها ممنوع بود و زندان‌ها. این مراکز را محیط‌هایی شبیه به زندان و غم‌انگیز و وحشتناک می‌دانند که سر کودکان در آنها تراشیده شده و اغلب مجبورند در آنها با کودکان بزرگ‌تر و خشن‌تر از خود زندگی کنند. در ۱۹۹۴ در برزیل این مراکز جای خود را به مراکز دیگری با نام فونابم (Funabem) سپردند که در مقایسه با سام از رویکرد روشن‌بینانه‌تری برخوردار بوده و بر تحصیل و آموزش حرفه‌ای کودکان بزهکار و رها شده تأکید داشت. محصور بودن مراکز که در آنها نوجوانانی با مشکلات و سنین مختلف نگاهداری می‌شدند از دلایل شکست محتوم فونابم شمرده می‌شوند. کودکان یتیم یا ترک شده در کنار نوجوانان خشن و ضداجتماعی با سوابق رفتارهای مجرمانه خشونت‌آمیز نگهداری شده، و آزار کوچک‌ترها توسط هم‌بندهای بزرگ‌تر آنها معمول بوده به گونه‌ای که در عمل این مراکز بیشتر محل آموزش جرم تلقی می‌شدند. (وامقی)

۲-۲) مراکز باز

از اوایل دهه ۱۹۸۰ تحولات جهانی در رویکرد به حقوق کودکان من جمله تصویب پیمان نامه حقوق کودک در ۱۹۸۹ میلادی و پیوستن اکثریت کشورهای جهان به آن، منجر به افزایش تعداد مراکز باز برای کودکان خیابانی با مشارکت فعال سازمان‌های غیردولتی در بسیاری از کشورهای جهان گردید و رویکردهای نگهداری در مراکز بسته را به سمت باز نمودن مراکز سوق داد. در این تغییر دیدگاه، کودکان شاغل و خیابانی قربانیان بی‌اختیار و آلت‌دست به حساب نیامده و به‌عنوان افرادی فعال و با مسیولیت، دارای حقی اخلاقی برای بهبود وضعیت خود و خانواده‌شان از طریق کار کردن هستند که باید به آن احترام گذاشت و فرصت مشارکت کودکان را در تصمیم‌ها و اقدامات مربوط به مشکلات ایشان فراهم کرد. در ۱۹۹۰ تصویب قوانین کودکان و نوجوانان در برزیل منجر به جایگزینی فونابم به‌وسیله مرکز برزیلی کودکانی و نوجوانی سبیا (CBIA) گردید. اهداف CBIA در درجه نخست پایان دادن به در حبس نگاه داشتن اجباری کودکانی که مرتکب قانون‌شکنی نشده‌اند و سپس محول کردن مراقبت از کودکان خیابانی به ساختارهایی غیر از دولت مرکزی مانند ایالات، شهرستان‌ها و سازمان‌های غیردولتی بود. این روش‌ها که از نظر فلسفه و رویکرد به کودکان خیابانی و روش‌ها با هم متفاوت‌اند در سه گروه اصلی طبقه‌بندی می‌گردند:

۲-۲-۱) پناهگاه‌ها

پناهگاه‌ها محیطی شبیه به مدارس شبانه‌روزی را برای کودکان فراهم می‌نمایند که امکانات تحصیلی، آموزشی، مراقبت بهداشتی، غذا، مسکن و ورزش و تفریح را در اختیار آنان قرار می‌دهد. به‌علاوه پناهگاه‌ها در حفظ رابطه کودکان با خانواده‌هایشان، درمان‌های فردی و مشارکت در زندگی اجتماع محلی نیز تلاش می‌نمایند. در حال حاضر بسیاری از کشورهای در حال توسعه مانند هندوستان، فیلیپین، برخی از کشورهای امریکای جنوبی و اروپایی دارای پناهگاه‌های متعددی برای کودکان خیابانی‌اند. سرپناه دن‌بسکو در بمبئی یک سازمان غیردولتی وابسته به سازمان دن‌بسکو است که در کشورهای مختلف جهان فعال است. در اختیار گذاردن امکانات تحصیلی، مهارت‌آموزی، کاریابی، فعالیت‌های تفریحی و هنری و تلاش برای ادغام کودکان در جامعه از مهم‌ترین برنامه‌های این سرپناه است. مشکل مهم این مراکز بازگشت کودکان به دنیای واقعی هنگام رسیدن به سن خروج از مراکز است که مملو از استرس و تروما است. (وامقی)

۲-۲-۲) خدمات در خیابان

در این رویکرد مربیان خیابانی غذا و سایر خدمات مانند کمک‌های درمانی و فعالیت‌های آموزشی را برای کودکان به خیابان‌ها می‌برند. سازمان خانواده باز که در اواخر دهه ۱۹۷۰ در استرالیا تشکیل شده است، فعالیت خود را بر کار خیابانی برای نوجوانانی که برقراری ارتباط با آنان مشکل است متمرکز نموده است مددکاران این سازمان تلاش می‌کند تا به‌عنوان افراد مورد اعتماد نوجوانان ضمن نشان دادن علاقه و احترام به محیطی که این کودکان در آن زندگی می‌کنند به کودکان احساس در دسترس بودن بدهند و امکاناتی در اختیار آنها بگذارند. (وامقی)

۲-۲-۳) بازگشت به جامعه

این رویکرد به کودکان خیابانی برای بازگشت کودکان به خانواده‌ها و نظام آموزشی رسمی و در نهایت ورود به بازار کار تلاش می‌کند. آژانس بین‌المللی کودکان خیابانی که از سال ۱۹۸۸ در کانادا تاسیس گردیده است برنامه‌های ادغام در اجتماع را برنامه‌هایی برای ایجاد ارتباط مجدد و یا مستحکم کردن رابطه کودکان خیابانی با خانواده‌ها و جامعه می‌داند. (وامقی)

در ایران نیز انجمن حمایت از کودکان کار در همین راستا ایجاد شده است. در حال حاضر فعالیت‌های حمایتی انجمن از کودکان کار را می‌توان در سه حوزه دسته‌بندی نمود.

(۱) **حمایت مستقیم:** که در این حوزه به‌طور مستقیم از کودکان حمایت می‌شود و چنانچه هر یک از آنان با مشکلی مواجه گردند، انجمن وارد عمل شده و با بهره‌گیری از تمامی امکانات موجود جامعه می‌کوشد مشکلات آنان را حل و از حقوق آنان دفاع نماید.

(۲) **ارتباط‌گیری و تاثیرگذاری بر سازمان‌های ذیربط:** از آنجایی که تغییر، بهبود و در نهایت محو پدیده‌ی کار کودکان مسلزم بهره‌گیری از تمامی امکانات و ظرفیت‌های موجود جامعه به‌ویژه سازمان‌های دولتی ذیربط است در این حوزه انجمن می‌کوشد از طریق ارتباط‌گیری و تبادل نظر با این سازمان‌ها ضرورت اقدام همه‌جانبه و فراگیر برای حمایت از کودکان کار را تبدیل به الویت این سازمان‌ها نماید.

(۳) **ترویج و آگاه‌سازی افکار عمومی:** رعایت حقوق کودکان و در الویت قرار دادن مصالح و منافع آنان در تمامی سطوح تصمیم‌گیری، نیازمند آگاهی، شناخت، مطالبه و عزم و اراده‌ی ملی است. از این‌رو بخش فعالیت‌های ترویجی انجمن با استفاده از ابزارهایی نظیر ارایه‌ی مقاله، سخنرانی، مصاحبه با رسانه‌ها، تهیه‌ی فیلم و سرود و موسیقی، انتشار نشریه‌ی داخلی و برگزاری مناسبت‌های ویژه نظیر روز جهانی کودک، و غیره... می‌کوشد در راستای آگاه‌سازی افکار عمومی و در نهایت دفاع بنیادین از حقوق کودکان حرکت نماید. (باقری)

نتیجه‌گیری:

مسئله کار کودکان، تا هنگامی که فقر وجود دارد، به‌گونه چشمگیر کاهش نخواهد یافت. نگرانی فزاینده در این سالها، از گسترش تن‌فروشی و پایین آمدن سن آن در مراکز شهری است. مهمترین تلاشها برای جلوگیری از بهره‌کشی از کودکان، از سوی سازمان بین‌المللی کار (OLI) انجام می‌گیرد. این سازمان کنوانسیون‌های گوناگونی به کشورهای عضو پیشنهاد کرده است که در آنها حداقل هجده سال سن برای استخدام کردن در همه مشاغل، حداقل سنی بالاتر برای مشاغل پرخطر، و... در نظر گرفته شده است. در اواخر سده بیستم بدترین انواع کار کودکان از جمله بردگی، تن‌فروشی و اسارت در برابر بدهی نیز به فهرست مشاغل زیان‌آور افزوده شد. (کلانتری)

نهادهای اجتماعی‌کننده در بروز و شیوع پدیده کار کودکان خیابانی از قوی‌ترین تاثیر برخوردارند. ناسازگاری و عدم تطابق خانواده با ساختارها و شیوه‌های زندگی جدید شهری و گرفتار شدن در دام زرق و برق شهرها از یک طرف، و فقدان الگوهای تربیتی سالم، ناتوانی اقتصادی سرپرست خانواده، و زندگی در محله‌های آسیب‌زا از طرف دیگر عواملی هستند که دست به‌دست هم داده و آثار اجتماعی شدن و هنجارپذیری را در وجود کودک و نوجوان خیابانی به حداقل می‌رسانند. علاوه بر کاستی‌های موجود در عملکرد نهادهای فوق‌الذکر، مهاجرت روزافزون به شهرهای بزرگ و به‌ویژه پایتخت بر گستردگی موضوع دامن زده است. این مهاجرت‌ها از شهرهای کوچک با جاذبه‌های اقتصادی پایین، مناطق بد آب و هوای شهری و روستایی و امثال آن ناشی می‌شود. در این میان مهاجرین و اتباع کشورهای همسایه نظیر افغانستان، پاکستان و عراق نقش عمده‌ای بازی می‌کنند. همان‌طور که گفته شد در استان‌هایی مثل تهران و فارس در حدود یک سوم کودکان کار و خیابانی را مهاجرین افغانی تشکیل می‌دهند. (حسینی)

بدین ترتیب نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که پدیدهٔ کودکان کار و خیابانی در هر سه سطح کلان، میانه و خرد قابل بررسی است. در هر یک از این سطوح مولفه‌های قابل توجهی وجود دارد که در بروز و شیوع پدیده فوق موثر بوده و نقش‌آفرینی می‌کنند. سطح کلان بر روابط بین ساختارهای کلان اجتماعی مثل ساختار اقتصادی و فرهنگی، سطح خرد بر ارتباطات و کنش‌های موجود میان نهادهای اجتماعی‌کننده و شیوه‌های تاثیرگذاری آنها بر یکدیگر و سطح خرد بر کنش‌های متقابل افراد با یکدیگر در محیط کوچه و خیابان و نوع رابطه با نهادهای پیرامون خود تاکید دارد. محققین اجتماعی در مطالعات خود، می‌بایست از ابعاد مختلف پدیده غافل نشده و همهٔ جوانب آن را در نظر بگیرند. علاوه بر این در طراحی راهکارهای حل مسئله نیز توجه به ابعاد سه‌گانهٔ فوق به همان میزان قابل توجه است؛ چه، اثرگذاری سطوح بالاتر مثل ساختارها و نهادها سرمایه‌گذاری در سطوح پایین‌تر را خنثی نموده و انرژی جامعه را به هدر می‌دهد. (حسینی)

زهرا اشعری قمی

zahraashari69@gmail.com

منابع:

۱. اسفندفرد، سید محمود، کودکان کار و خیابان، مجله اصلاح و تربیت «دی ۱۳۸۶ - شماره ۶۹ (از صفحه ۳ تا ۸)»
<http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=299490>
۲. ایروانیان، امیر، حمایت از اطفال در برابر بهره‌کشی‌های اقتصادی و جنسی، مجله ندای صادق «زمستان ۱۳۸۲ - شماره ۳۲ (از صفحه ۱۱۲ تا ۱۵۰)»
<http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=61053>
۳. باقری، خسرو، گفتگو با «انجمن کودکان کار»، مجله چیستا «دی و بهمن ۱۳۸۴ - شماره ۲۲۴ و ۲۲۵ (از صفحه ۳۳۰ تا ۳۴۱)»
<http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=167501>
۴. حسینی، سید حسن، وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران، مجله رفاه اجتماعی «زمستان ۱۳۸۴ - شماره ۱۹ (از صفحه ۱۵۵ تا ۱۷۴)»
<http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=82161>
۵. قاسم زاده، فاطمه، کودکان خیابانی در تهران، مجله رفاه اجتماعی «بهار ۱۳۸۲ - شماره ۷ (از صفحه ۲۴۹ تا ۲۶۴)»
<http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=44866>

۶. کلانتری، صمد، بررسی تطبیقی کار کودکان در کشورهای پیشرفته و جهان رو به توسعه، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی «آذر و دی ۱۳۸۵ - شماره ۲۳۱ و ۲۳۲ (از صفحه ۲۸۲ تا ۲۹۵)

<http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=96357>

۷. وامقی، مروّنه، کودکان خیابانی ایران و رویکردهای دولتی، مجله رفاه اجتماعی « زمستان ۱۳۸۴ - شماره ۱۹ (از صفحه ۱۷۵ تا ۲۰۴)